

رقصاندن واژه‌ها:

شهادت یک خوشنویس

نوشته حسن مسعودی

سنلهای پیاپی خوشنویسان با کار بر چسوب، چسرم و استخوان و بعداً بر پوست، سنگ، آجر لساپدار و سطوح دیگر، به هنر خود غنا بخشیدند و مهارتهایشان را به صورت شفاهی به شاگردانی که سنتهای کهن را محترم می‌شمرند منتقل کردند.

اما امروز وضع از چه قرار است؟ ارزشهای زیبا شناختی تغییر ناپذیر نیستند. درست همان‌طور که نگرش به زمان و بعد مسافت بی اندازه دگرگون شده‌اند - به شکاف عمیقی که شهرها و کاروانهای عهد عتیق را از عصر سفرهای بین ستاره‌ای ما جدا می‌کند بیندیشید - به همان ترتیب دامنه خلایق گسترده شده است. علامت و تصویر دوباره متعدد شده‌اند. اما زایایی هرج و مرج آمیز آن را نباید مهار کرد. همچنانکه فنون استفاده از رنگهای جدید سنتیک را نیز باید آموخت.

در این اوضاع و احوال خوشنویسان امروز چگونه می‌توانند ابراز وجود کنند و به پر تو حقیقت درونی و تجربه ژرفی که راهنمای آنهاست وفادار بمانند بی آنکه سنتی را که به ارث برده‌اند فراموش کنند؟ چگونه می‌توانند هنرشان را بدون آنکه بدان خیانت ورزند تو کنند؟ به نظر من باید دو موضوع را در نظر گرفت. اولی به محتوای عباراتی که می‌نویسند مربوط است. دومی به انتخاب ابزار، شکل و محتوا جدایی ناپذیرند.

خوشنویس عرب به طور سنتی همواره با قلم نی کار کرده است، که ضخامت آن بیش از انگشت نیست. در مورد متون گسترده‌تری چون تزئین چهارچوبها و دیوارها نخست طرح حروف با قلم دنبال می‌شود و سپس با قلم‌مسو رنگ‌آمیزی می‌شود. اگر وسایل بیشتری، چه به طور مستقل و چه همراه با قلم، به کار رود در این صورت علائم قدیمی حیات تازه‌ای خواهند یافت.

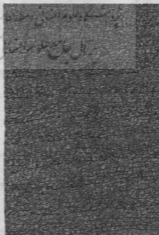
من ابزار خوشنویسی‌ام را از چوب، مقوا و مواد دیگری می‌سازم. از قلم‌موم استفاده می‌کنم. با این ابزار علائمی می‌کنم که هنوز اصلشان قابل تشخیص است، اما طاهر آنها عمیقاً تغییر کرده است. به قول یک خوشنویس چینی «وقتی ایده در نوک قلم است، لزومی ندارد که به دورتر نگاه کنیم». خوشنویسی یک شکل هنری است که قواعد دقیقی دارد

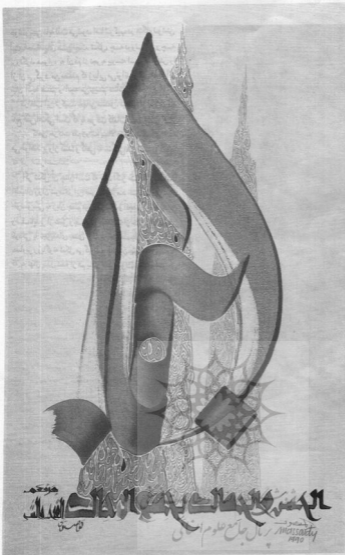
کوفی، یکی از سبکهای سنتی خط عربی، رسمی، زاویه‌دار و با ابهت است. اما وقتی با مرکب شفاف سیبیا بر پوست گوساله نوشته می‌شود، جسیمت اسرارآمیزی می‌یابد. در حالی که چیزی از جلالتش را از دست نمی‌دهد.

طی اعصار، خوشنویسی عربی - اسلامی بر اثر برخورد با فرهنگهای گوناگون ظرافت و زیبایی تمام یافت. هر چند هندسه نهفته آن محو نشد، خط منحنی سرانجام غلبه یافت و حروف منبسط، کماتی یا گرد شدند. برخی از حروف شاخه شاخه شدند تا آنجا که دیوارهایی را که بر آنها نقش می‌بستند به باغهای لذتی مبدل می‌کردند که چشم از میان آنها در طول کوره راههای نشاط انگیز بین حرکات بالا و پایین هدایت می‌شد. برخی حروف دیگر با نقش مایه‌هایی زینتی که سطوح خالی را متعادل می‌کرد تزئین می‌شد. هر جا که هندسه دقیقی حاکم بود، رنگهای چون آبی گرم یا فیروزه‌ای کاشنیهای قدیمی، که تا به امروز هنوز ما را مجذوب می‌کنند، به کار می‌رفت تا به خشکی بیش از حد آن مسالمت ببخشند. جستجوی زیبایی تماماً بر کلمه مسترکز بسود، زیرا تصویرپردازی تجسمی مجاز نبود.



بالا، چرمی از بیکر سازی خوشنویسی بر دیوارهای الحمرات قرظاطه (اسپانیا)، قرن چهاردهم. سمت چپ، سرود شاهنامه (۱۹۸۷)، نقاشی روی کاغذ، اثر هنرمند مراکنسی مهدی لعلی.





مزینایی و نیکس نشانها را متحد و
 بلای و زلفش آنان را متفرق
 می‌کنده (نوستوی، طرامی
 خوشنویس اثر حسن مسعودی
 ۱۹۹۰).

حسن مسعودی
 خوشنویس عراقی الاصل، که از ۱۹۶۹ در فرانسه اقامت دارد، و در آنجا چندین نمایشگاه و کارگاه و کلاس در زمینه خوشنویسی خطوط عربی و لاتین ترتیب داده است. از جمله آثار منتشر شده اوست:
 مفروضات عربی امروزه (نظاریات) پاریس، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶، شماره پایان هنر، ۱۳۶۰، پاریس، ۱۹۸۸ و مفروضات عربی برای آموزش (ANZSABZATI)، پاریس، ۱۹۹۰.

حرکت و تنفس خود مسلط باشد. رنگها را باید درست پیش از آنکه کار نوشتن آغاز شود آماده کرد. مواد رنگی و عاملهای چسبندگی باید با درجه غلظت متفاوتی ترکیب شوند. رنگ باید عالی باشد، به راحتی روان شود و عمل نوشتن را مطبوع سازد. شفافیت آن جهانی هموار و جسمانی را منعکس می‌کند که از آن آرامش و صفا سر ریز می‌کند. برای دست یافتن به چنین کیفیتی باید موادی را که رنگ از آنها تهیه می‌شود رام کرد. وقتی رابطه بین شکل و رنگ آهنکین باشد، تسمای

و مدت زمانی که برای رونویسی یک سطر بر روی صفحه‌ای خالی لازم است به هیچوجه غیر طبیعی نیست. خوشنویسان به طور سنتی نه آن آزادی و نه آن وسایل فنی را داشتند که بتوانند وقت را به بطلالت بگذرانند یا عجله کنند. امروز، من ده برابر سریعتر از مدتی پیش می‌نویسم. دستم با سرعت روی صفحه حرکت می‌کند و به طور همزمان طرح کلمات و شکل ترکیب را دنبال می‌کند. نه تنها دست بلکه سراسر بدنم در این عمل که قفل کنجیته مهارتهای آندوخته به صبر را می‌کشاید، درگیر می‌شود. خوشنویس برای تند نوشتن باید بر

خوشنویسی مایهٔ لذت می‌شود. اما ترکیب در هنگام نوشتن آیته احساسهای متن است. شکل، چسه درونستاب و چسه برونگره، همواره به آن دم از تجربه پیوسته است که قویتر را از آن می‌گیرد. من معتقدم که زیبایی می‌تواند از این همخوانی میان آنچه هستم و آنچه می‌نویسم نشأت گیرد.

در قلب این ترکیب جهانی مستقل، میدانی از انرژی که تابع ضربانگی است که به حرکت کلمات تحمیل می‌کنم. می‌تپد. گاهی حرکات قلم رو به بالا دارند، گسویی که می‌خواهند پرواز کنند؛ و گاهی به سنگینی می‌نشینند گسویی که در استراحت‌اند.

اگر شکل آن چنان است که باید، اگر حرکات قلم بسا اطمینان روان شود، در این صورت هنرمند خرسند می‌شود. خوشنویسی به زبان جسم مبدل می‌شود و آنچه را که به نحوی وصف‌ناپذیر از عمق وجود نویسنده... از خاطرات دوران کودکی یا تجربه‌های بعدی او... می‌جوشد بیان می‌کند. این تصاویر رویاگونه شکل می‌گیرند و همچون جوانه‌های بذری که به نهال بدل شده از هم بساز می‌شوند. خوشنویس باید این بارقه‌های حیات را هدایت کند و بدانها جهت دهد. تصویر شیرهٔ گیاهی که از شاخه‌ای به شاخه‌ای روان است، یا گروهی از قصدگان که گوش به فرمان طراح رقص‌اند، به ذهن خطوط می‌کنند. من مایل‌م طراح رقص حروفم باشم و آنها را در سراسر صفحهٔ سفید به رقص وادارم. هر آنچه را که احساس می‌کنم به حرکاتی بدل می‌کنم و ناگهان خیالاتم شکلی مرئی به خود می‌گیرد. اما چه ریزه‌کارهایی را بساید صبورانه انجام داد و چه قدر تمرکز فکر لازم است تا این انگیزش گریزیا فراچنگ آید!

برخی از حروف را کثیف‌تر و بعضی را فشرده‌تر می‌کنم؛ حروف عمودی را نرم و متحنی‌ها را صاف می‌کنم. وقتی حروفم پر می‌کشند، من نیز با آنها پرواز می‌کنم. وقتی به زمین بازمی‌گردند، من نیز برمی‌گردم. گاهی سخت‌باری می‌کند تا با عمق بیشتری در درون‌بینی‌های خود غور کنم. در خوشنویسی، زیبایی همواره لزوماً فنانح نیست. زیبایی می‌تواند حاصل تضاد یا درام باشد. خوشنویس باید برای برقراری تعادل با دقت بسیار کار کند. در این صورت زیبایی می‌تواند در روزگار پسرآشوب کمکی بنشاند. در لحظات خلایق، همه چیز نورانی است، همه چیز به خط مبدل می‌شود؛ طبیعت، بشریت و حتی دنیای صنعت. شکل تیرویی را از محلی می‌گیرد که از لحاظ مکانی بدان پیوسته است. کلمات در عربی به صورت افقی نوشته می‌شوند... اما من به آنها حالتی عمودی می‌بخشم و در اوج ساختاری که حاصل می‌شود حروف را به یکدیگر نزدیک می‌کنم تا کیفیت پادمانی ترکیب‌بندی را تقویت کند.

در گذشته، خوشنویسی تنها می‌خواست که متعالی را عیان کند و از این رو، کمترین اشاره به تضاد درونی از کار حذف می‌شد. امروز من می‌توانم هر چه را که می‌خواهم بیان

بقیه در صفحه ۵۰



مجله علمی و مطبوعات فرهنگی
سال چهارم علوم انسانی

در روزگار نوین نظرها
دربارهٔ زیبایی، هنر و
هنرمند منقلب شده
است.